

موضوع سخنرانی  
تحلیل اوضاع حال حاضر  
سیاسی منطقه

سخنران  
جناب آقای حجت الاسلام و المسلمین مجید سینایی

مکان سخنرانی

مراسم اعتکاف

مسجد جامع صاحب الزمان علیه السلام مهر آباد

زمان سخنرانی

۱۳۹۵/۰۲/۰۲

## بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْحَمْدُ رَبِّ الْعَالَمِينَ ، الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَى الْمَلَائِكَةِ الْمُقَرَّبِينَ وَ الْأَنْبِيَاءِ الْمُرْسَلِينَ سَيِّمًا خَاتَمًا وَ  
أَفْضَلَهُمْ مُحَمَّدًا وَ عَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ الْأَطْيَبِينَ الْأَطْهَرِينَ ، سَيِّمًا نَبِيَّ اللَّهِ فِي الْأَرْضِينَ ، وَ اللَّعْنَةُ الدَّائِمَةُ  
الْأَبَدِيَّةُ عَلَى أَعْدَائِهِمْ أَجْمَعِينَ ، مِنْ الْآنَ إِلَى قِيَامِ يَوْمِ

با عرض سلام ، امیدوارم ایشاء الله که عبادت و فريضه و عمل صالحی که شما انجام می دهید مورد قبول  
حضرت حق قرار گرفته باشد و گرمای طاقت فرسای این روزهای تهران برای شما عزیزان و جوانان مشکلی  
ایجاد نکرده باشد شاید کار سختی باشد ولی شما همت کردید و آ امید و باید از شما تشکر بشود؛ امیدوارم  
به اجر بی پایان آن برسید و دست پیدا کنید.

یک نکته در ابتدا سخنانم بگویم : این که این جلسه خالی از همه مسائلی است که در مناسبت ها و جلسات  
تصویری مطرح می شود. لذا خالی از هر گونه مجامله می باشد.

به این نکته توجه و دقت داشته باشید . یک شخصی مثل مرحوم علامه طباطبائی با همه قداستی که دارند و با  
همه بی تعلقی که دارند. مرحوم طباطبائی که شما حتماً اسمشان را شنیدید و تا حدودی در برنامه های  
تلویزیونی از ایشان نشان داده است و ملاحظه کردید ، یک همچنین شخصیت بی تعلقی که می گفتند وقتی  
من وارد کلاس می شدم و می فهمیدم که مطهری سر کلاس آمده است با حالت رقص وارد می شدم. و  
آنقدر لذت می بردم که یک شخصیتی مانند آقای مطهری هر چه من می گویم او می فهمد و برداشت می کند  
او سر کلاس است.

پویایی و موفقیت یک جلسه، بخشی با شما عزیزان می باشد. انشاءالله که با دقت نظر شما این بذری پاشی

محصول و ثمر بدهد. این یک مطلب که حضور و جدیت شما پای سخنرانی که چه بنده و دوستان دیگری که در این سه روز خواهند آمد می تواند خیلی مؤثر باشد و این جلسه ثمر بدهد.

حال وارد بحث خودمان شویم که تا حدی متداولتر است این روزها . توجه داشته باشید در اسلام . همه دیانت ما و دین ما مساوی است . با همه سیاست ما، یعنی نه سیاست کمتر است از دین و نه دین کمتر از سیاست می باشد. کاملاً همپوشانی دارند. یعنی اگر شما دایره ای فرض کنید دین را این همان خود سیاست است. یعنی اینطوری نیست که ما یک بخشی داریم سیاستی و یک بخش دینی . سپس اینها بعضاً با هم همکاری دارند . نه هر آن چه در دین است همان سیاست است و هر آنچه در سیاست است همان دین است. با دو نگاه است. برای مثل، اینکه شما یک ساختمان مسجد را از قسمت شرقی نگاه کنید، بعد همین ساختمان را نه ساختمان دیگر را، بروید از ضلع شمالی نگاه کنید. هر دو یک چیزند، دارید یک چیز را نگاه می کنید. شما هستید که زاویه دیدتان را تغییر دادید. پس این را در ذهن تان داشته باشید. پس وقتی شما می خواهید در یک جلسه بحث سیاسی کنید، بهترین کسی که از نظر اسلامی می تواند بحث سیاسی کند بهترین کسی است که بحث دینی را بلد است و بهترین کسی که دین را می فهمد بهترین بحث سیاسی را می کند.

ممکن است الآن کسی فوق لیسانس علوم سیاسی داشته باشد؛ خارج از کشور ، او بیاید خیلی حرفهای سیاسی روز بزند. اما برای من و شما مسجدی و برای من و شما شیعه و کسانی که می خواهند به دین عمل کنند؛ گزاره های خبری سیاسی او خیلی به درد ما نمی خورد، پس این یک نکته. دقت کنید پس من می پرسم.

من هر جمله ای که جلو می روم ، سؤال می کنم، بینم جا افتاده یا نه ؟

بینید اون کسی که کارشناس دین است و خوب دین را شناخته اون می شود کارشناس سیاسی برای ما . و

اون کسی که کارشناس سیاسی است، کسی است که دین را خوب شناخته باشد.

اگر کسی مطالعات دینی دارد اما مسائل سیاسی را آگاهی ندارد یعنی اینکه او دین را هم خوب نشناخته، پس دارد اشتباه می‌رود. ببینید ما یک نفر را می‌آوریم حجت الاسلام خیلی عالم است نه اینکه خبر داشته باشد نه بحث خبری را نمی‌گوییم. اخبار نه. اون تحلیل سیاسی و اون شناخت درست از هندسه سیاسی او دین را می‌گوید خیلی خوب شناخته ام، اما نمی‌دانم سیاست یعنی چه؟ پس باید به او بگوییم تو دین را هم نفهمیدی. پس اگر دین را خوب شناخته باشی سیاست را هم خوب شناختی و اگر سیاست را خوب شناختی آدمی متدین هم هستی. این هم یک مطلب.

پس ما این فرمایش حضرت امام رضوان الله تعالی علیه و قبل از امام شهید مدرس را که سیاست ما همان دیانت ماست و دیانت ما همان سیاست ماست؛ را کمی فهمیدیم.

عرض کنم باید خدمتتان این جمله، جمله امام هم نبوده. یعنی قبل از امام کسانی دیگر، والاتر و بالاتر از همه مولا امیرالمومنین (ع) و شاگردان ایشان تا برسد به آقای سیدحسن مدرس گفته بودند، این جمله به این شکل از آقای سیدحسن مدرس بیان شده است که دیانت ما عین سیاست ماست و سیاست ما عین دیانت ماست. و این دو تا با همدیگر دوئیت ندارد. این یک مطلب، بسیار مطلب مهم است. شما اگر یک موقع نگاه می‌کنید یک کارشناس دینی است ولی سیاست بلد نیست این ضعف او می‌باشد. ضعف دین نیست، دین ضعیف نبوده، او ضعیف است که بلد نیست. مثل اینکه یکی شیمی خوانده ولی بلد نیست کار شیمی انجام دهد. شما می‌گوئید ببخشید شما کارشناس خوبی نیستید. ایراد از شیمی نیست شما کارشناس خوبی نیستید. ما داریم کسانی که بهتر شیمی را از تو بلد هستند و این کار را با موفقیت انجام می‌دهند.

مطلب بعدی که باید دقت کنید ، این هندسه دین که همان هندسه سیاست می باشد که سه لایه بسیار مهم دارد :

۱- لایه اعمال و رفتار انسانها

۲- فکر و اندیشه انسانها

۳- قلب انسانها و محبت درون قلب که چیزهای که انسان دوست دارند، مورد نظر هستند.

طراحی دین در این سه حوزه انجام می شود یعنی شما اگر می خواهید یک آرایش سیاسی به مردم بدهید ، دقت کنید یک آرایش سیاسی، اگر من این آرایش سیاسی را بردارم و بجای آن یک آرایش دینی بگذارم کار غلطی انجام نداده ام. چون ما گفتیم دین مساوی با سیاست است. شما می خواهید به مردم یک آرایش سیاسی بدهید در سه حوزه باید این کار را انجام دهید :

۱- عمل مردم

۲- اندیشه مردم

۳- قلب مردم

می خواهید دین مردم را هم درست کنید، باز همینطور است. الان ممکن است یک کسی نماز بخواند. می گویند دو رکعت نماز صبح می خوانم قربه الی الله . دیگری هم نماز می خواند دو رکعت نماز صبح می خوانم قربه الی الله. دیگری همینطور. سه نفر یکی فقط ظاهر دین را پذیرفته و دارد نماز را می خواند، آن دیگری با حال می خواند و با اشک، آه و ناله. دیگری یک محبتی در دلش است و فقط آن اشک و آه را ندارد. هر سه نفر نمازشان قبول است. یعنی شما نمی توانید بگویید نه آقا. چون او گریه کرده نمازش قبول

است ولی اون که گریه نکرده نمازش باطل است. نه دیگر هر سه درست انجام داده‌اند. وضویش را درست گرفته، نیت‌اش درست انجام داده و نمازش را خوانده؛ هر سه قبول است. منتهی درجاتش فرق می‌کند. اما از نظر فقهی که لازم نیست اداء شود هر سه کار را درست انجام دادند.

ما در نظام جمهوری اسلامی ایران عزیزان در این سه حوزه، سه حوزه عمل، اندیشه و قلب در این سه حوزه کار داریم، با مردم. باید یک آرایش نظامی، سیاسی و دینی مناسب داشته باشیم. این هم یک مطلب.

اینها که من الآن می‌گویم که بعداً اگر جزوه شود، می‌شود یک کتاب که بعداً می‌شود قشنگ تدریس نمود. برای اینکه به مطلب آخر برسیم ناگزیر این مطالب را خدمتان بیان کنم.

مطلب بعدی این است که در این سه حوزه، ظاهر (یعنی رفتار)، عمل، فکر، اندیشه و قلب. خداوند متعال به ما فرموده است: که آی مردم! شما بدانید که کار بدست من است. اگر شما در این سه حوزه درست عمل بکنید. من سنت‌هایی برای اداره فرد و جامعه دارم و با آن سنت‌ها با شما رفتار خواهم کرد. اگر بد عمل کنید من با شما بد رفتار خواهم کرد. یعنی یک سنتی، مثال سنت الهی، یک نمونه بگویم: دقت کنید، سنت الهی مثل جاذبه زمین. یکی از سنت‌های الهی در طبیعت جاذبه زمین است. شما اگر در اروپا سنگی را رها کنید می‌آید به سمت زمین. درست است. در ایران هم رها کنید می‌آید پایین اگر یک مسیحی سنگ رها کند می‌آید روی زمین و اگر یک مسلمان هم سنگ را رها کند می‌آید روی زمین. این سنت الهی می‌شود. به این می‌گویند سنت الهی. شما در محدوده عمل، اندیشه و قلب. اگر به سنت‌های الهی عمل بکنید خداوند متعال رفتارش و عنایت‌اش و نصرت‌اش را به سمت شما می‌بیند جریان داده است. شما الآن از یک بلندی چیزی را رها می‌کنید مثل سرسره می‌آید پایین. این سنت الهی است. می‌بینید سنت الهی دارد کارش را انجام می‌دهد. فرقی هم نمی‌کند ما ایرانی یا افغانستانی باشیم. به محضر شریف تان عرض می‌کنم پاکستانی،

اروپایی و عرب باشیم. فرقی نمی‌کند هر کس رفتار درست را از خودش انجام بدهد. خداوند متعال به عهده گرفته است که کار او را، آن ثمری را که با آن مناسبت دارد برایش ایجاد کند. به اینها می‌گویند سنت‌های الهی.

یک جمله درسی، قوانین حاکم بر فرد و اجتماع از سوی پروردگار را سنت‌های الهی می‌گویند. این سنت‌های الهی در قرآن کریم آمده است و اینها بیان شده است. امامان معصوم (ع) اینها را بیان نموده‌اند و یکی از این سنت‌های الهی در جامعه، بلکه مهمترین‌شان، دقت کنید الان می‌خواهم از رو بخوانم، باید توجه داشته باشید.

مهمترین سنت اجتماعی الهی چه چیزی است؟ که خداوند متعال فرمودند که اگر شما به آن عمل و مراعات کنید پیروز هستید و اگر رعایت نکنید باید جمع کنید، آسیب می‌بینید. این سنت‌های الهی باید برایتان ذکر کنم. خطبه‌ای که الان برایتان می‌خوانم خطبه قاصعه امیرالمومنین (ع) در نهج البلاغه است.

بینید حضرت چه می‌فرماید: **عْتَبِرُوا**، ای مردم عبرت بگیرید به حال آل اسماعیل، بنی اسحاق و بنی اسرائیل. حضرت اسماعیل پیغمبر بود خودش، پدرش فرزند پیغمبر بود، حضرت ابراهیم (ع) و فرزندان داشتند، امیرالمومنین می‌گوید ایشان پیغمبر زاده بودند و شما و ما سی نسل بعد از پیغمبر اکرم (ص) هستیم، ۳۷ نسل بعد از پیغمبر هستیم درست. اونا پیغمبر زاده بودند. امیرالمومنین علیه السلام و الصلاه می‌فرمودند: که **إِعْتَبِرُوا**؛ عبرت بگیرید از فرزندان اسماعیل و اسحاق و اسرائیل. اسرائیل کی بوده، یعقوب (ع) و **فَمَا أَشَدَّ** **اعْتِدَالَ الْأَحْوَالِ، وَأَقْرَبَ اشْتِيَاءَ الْأَمْثَالِ! تَأَمَّلُوا أَمْرَهُمْ فِي حَالِ تَشْتِيهِمْ**. دقت کنید، چقدر این جمله عجیب است. گوش کردید؟ می‌فرماید که، توجه کنید به کار و زندگی اینها، اینها افرادی بودند که متأسفانه، متأسفانه و متأسفانه پیغمبر زاده بودند اما سنت الهی را جدی نگرفتند. گرفتار چه شدند؟ اینها چون گرفتار

اینها چون گرفتار تشت و هم تفرقه شده اند، مضمحل شدند. این سنت الهی است. آقا روش تحلیل سیاسی. هرکشوری آحاد مردم را از مسلمان، یهودی، مسیحی. از ترک، کرد، گُر و ترکمن، هر کسی. بتواند اینها را متحد و یکپارچه کند این موفق است. والا اگر انرژی هسته ای داشته باشد، نمی تواند. اگر بهترین موشک های قاره پیمای دنیا را داشته باشد که روسیه هم داشت؛ شوروی سابق را که در سال ۶۷ و ۶۸ اینها دچار تفرقه شدند. اینها کم موشک که نداشتند. موشک های قاره پیمای داشتند که هنوز هم ما نداریم. آنها موشک ههاشان لااقل ۷۰۰۰ کیلومتر را می زند. ما حداکثر ۲۵۰۰ کیلومتر را می زند. الان تازه ما دست پیدا کرده ایم نه بیست سال قبل به هر حال امام نامه نوشت به آقای گورباچف.

آقای گورباچف فرمودند: شما محاسبات اقتصادتان، نظامی تان درست بود در آنها اشتباه نکردید.

موشک های تان خوب می زند. آمریکا از نظر هواپیما قوی تر بود، هواپیماهای مدرنتری داشت و شوروی موشک های قوی تر داشت در فضا. فضاپیما و در ارسال موشک شوروی قوی تر بود. موشک های قاره پیمای داشت ولی متفرق شدند. چون تفرقه حاکم شد. دلیل شدند. حالا ببینید چه می گوید حضرت امام علیه السلام والصلاحه می فرمودند: خیلی دقت کنید اگر این جمله را با آب طلا نوشت و بروی سر در وزارت امور خارجه ما بزنند، ارزش دارد.

خیلی عجیب است. ببینید حضرت امیر المومنین (ع) چه می فرماید: این بچه های اسماعیل نبی، حضرت یعقوب و حضرت اسحاق دچار تفرقه شده اند.

دچار تفرقه شده اند؟ چه بلایی به سرشان آمد؟ ببینید حالا حضرت چه می گوید: **فِي حَالِ تَشْتِيهِمْ وَتَفَرُّقِهِمْ،**

**لِيَالِي كَانَتْ اَلْاَكَاْسِرَةُ وَ اَلْقِيَا صِرَةُ اَرَبَابًا لَهُمْ.**



## الْأَكَاْسِرَةُ وَالْقِيَاصِرَةُ یعنی چه ؟

حضرت می فرماید : بچه های اسماعیل، بچه های یعقوب و بچه های اسحاق، فرزندانشان، این پیغمبرزادگان چون گرفتار تفرقه شده اند. الْأَكَاْسِرَةُ جمع کسرا ، الْقِيَاصِرَةُ جمع قیصر می باشد. قیصرهای روم و کسراهای ایران . اَرْبَابًا لَّهُمْ ، ارباب اینها شدند و اینها را بردند توی بازار برده فروشان فروختند. اگر یک کشوری گرفتار تفرقه بشود، حتی اگر جمهوری اسلامی ایران باشد؛ سرانجام.

زنان، مردان، بچه ها و دختران را بر می دارند و می بردند توی بازار برده فروشان می فروشند. این الْأَكَاْسِرَةُ وَالْقِيَاصِرَةُ اَرْبَابًا لَّهُمْ آیات قرآن را دیدید و ملاحظه کردید. چه می گوید شما همان مردمانی بودید که يُدَبِّحُونَ أَبْنَاءَكُمْ وَيَسْتَحْيُونَ نِسَاءَكُمْ ، زنان شما را زنده نگه داشتند و فروختند و بچه هایتان را کشتند. همین قضیه در انتظار ما است، اگر درست عمل نکنیم. شما در یک مسجد سه نفر آدم دارید فعال هستند، اما با هم متحد هستند. اما در یک مسجد دیگر سی نفر هستند ولی متفرق هستند. آن سه نفر ثمر می دهند. شما در یک استان، مردم استان را می بینید اتحاد دارند حتی اگر جمعیت شان کم باشد، درآمدهای آن استان مانند استانهای دیگر هم ثروتمند نیست، امامی ببینید موفق هستند.

خیلی نکته مهمی را حضرت امیرالمومنین (ع) می فرماید : كَانَتْ الْأَكَاْسِرَةُ وَالْقِيَاصِرَةُ اَرْبَابًا لَّهُمْ، يَحْتَازُونَهُمْ عَنْ رِيفِ الْأَفَاقِ، این الْأَكَاْسِرَةُ وَالْقِيَاصِرَةُ آمدند فرزندان حضرت اسماعیل و اسحاق و یعقوب را از مناطق خوش نشین فرستادند به بیابانها و خودشان در جاهای خوب نشستند. ما آذربایجان ، ترکمنستان نداشتیم؛ حاشیه دریای خزر مال ما نبود؟ ولی کشور ما دچار جنگ های داخلی شد. وقتی دچار جنگ های داخلی شد یک تیکه اش را ترکیه برد، یک تیکه آن را آذربایجان و عراق برد. که آن وقت مال ما بود، برد.

این ارمنستان و اینها جاهای خوش نشین ما بود و بعد ما را هول دادند به سمت کویر لوت. الآن شما در روی نقشه نگاه کنید.  $\frac{2}{3}$  ایران اصلاً غیرمسکونی است. اون  $\frac{1}{3}$  را باید ما زندگی کنیم. اون  $\frac{2}{3}$  بیابان است. داغ‌ترین. دقت کنید این نکته علمی. داغ‌ترین خاک کره زمین توی ایران است. داغ‌ترین و گرم‌ترین زمین نقطه کره زمین توی کویر لوت است ۷۹ درجه سانتیگراد است. اینها ما را راندن اینجا و جاهای خوب ما را گرفتند و کشور را فرستادند پایین.

امیر المومنین (ع) ببینید چه می‌گوید: شما اگر بچه‌های پیغمبر باشید، ولی گرفتار تفرقه بشوید حتی منافع مادی را از ما گرفتند. به آنها می‌گوید: عبرت بگیرید! *يَحْتَاذُونَهُمْ عَنْ رِيفِ الْاَفَاقِ وَ بَحْرِ الْعِرَاقِ وَ خُضْرَةِ الدُّنْيَا* آن دنیای سرسبز را از آنها گرفتند و راندن به سمت کویرها و خودشان در جاهای خوش آب و هوا نشستند. حتی سرزمین‌های خوش و آب‌هوا را از اونها گرفتند. در این خطبه حضرت می‌فرماید: *خُضْرَةُ الدُّنْيَا، اِلَيَّ مَنَابِتِ الشَّيْبِ، وَ مَهَافِي الرِّيحِ، وَ نَكْدِ الْمَعَاشِ،* بچه‌های اینان از نظر معاش، رزق و روزی به بدبختی افتادند. *فَتَرَكُوهُمْ عَالَةً مَسَاكِينَ،* اینها فقیر، بیچاره و مسکین رها کردند. *عَالَةً مَسَاكِينَ اِخْوَانَ دَبْرٍ وَ وَيْرٍ، اَذَلَّ اَلْاُمَمِ دَارًا،* از نظر خانه و زندگی خارترین و پست‌ترین امت‌ها شدند. زاغه نشین شدند. *وَ اَجْدَبَهُمْ قَرَارًا،* جایگاه و استحکامشان همه اینها را برهم زدند. یک وقت شما تاریخ می‌خوانید، بعضی‌ها اینجوری هستند. بچه‌ها دبیرستان و دانشگاه، کتاب تاریخ می‌خوانند، می‌گویند حاج آقا یک زمانی قیصر، یک زمانی کسرا و یک زمانی فلانی در این مملکت بودند، چه شد؟ علت‌اش را نمی‌داند؛ که چه شد؟ که ما فقیرترین مردمان روی زمین شده‌ایم.

منظور از این ماها، یعنی فرزندان حضرت اسماعیل، اسحاق و یعقوب می‌باشد. نماز می‌خوانند، اما وحدت نداشته‌اند. روزه می‌گرفتند اما وحدت نداشته‌اند. من سال ۹۰ در لبنان بودم. مردم لبنان تعریف می‌کردند

چون می دانید لبنان سه نوع شهروند دارند :

۱- مسیحی ها

۲- مناطق سنی نشین

۳- مناطق شیعه نشین

قبل از حضور مرحوم، اگر از دنیا رفتند خدا رحمت شان کند. امام موسی صدر، در لبنان گداها شیعیان بودند. الآن شما می روید سرچهارراه کارگر بردارید، می گوید آقا من ۵ نفر کارگر می خواهم، این عرب ها، روسپی گری ها برای شیعیان بود.

امام موسی صدر که آمد؛ یواش، یواش بین بچه های حزب الله لبنان و شیعیان وحدت و انسجام ایجاد کرد به گونه ای که اگر شما بروید داخل بچه های حزب الله، از نماز جماعت شان را من برایتان توضیح بدم. ببینید نماز جماعت توی حزب الله لبنان، توی بیروت کسانی که در نماز شرکت می کنند طرف زیرپیراهنی رکابی پوشیده و از این شلوار کوتاه و موهایش را سیخ زده دورش را تراشیده، وحدت لباس ندارند، آن یکی یقه اش را بسته و یکی هم نیمه برهنه است اما وحدت فکری و وحدت دلی دارند.

آن یکی می گوید اگر من زیرپیراهن رکابی پوشیده ام اما سید حسن نصرالله را دوست دارم. آن یکی می گوید اگر من ریش گذاشتم و این مدل لباس و مو را دارم اما سید حسن نصرالله را دوست دارم. دیگر نمی زنند بر سر و کله همدیگر. این وحدت و انسجام را امام موسی صدر برای آنها به ارمغان آورد. حال برای ما چطور است بعضی مسجدها که ما می رویم وقتی می بینیم افراد نوک سوزن اختلاف سلیقه دارند؛ و بخاطر همان دلها از هم دور و متنفر می شوند!!

گفتند دین در سه حوزه است: ۱- عمل ۲- فکر ۳- قلب

اگر قلب انسانها از هم متنفر بشود این اتفاق می افتد که با هم می جنگند. چه می شود؟ بعدش می شود لبنان سابق. در لبنان سابقه جنبش های امل و... با هم می جنگیدند. حماس الآن توی فلسطین با فتح می جنگند.

اینها را چه کسی با هم متحد کرد؟ امام موسی صدر و بعد از ایشان سیدعباس موسوی دبیرکل حزب الله لبنان، خدا ایشان را رحمت کند و حالا هم سیدحسن نصرالله.

الان اینان می خواهند در سوریه چه کاری بکنند؟ ببینید سوریه، لبنان و ایران، هر سه اینان در یک مسیر رفتند. تا سرحداد منافع آمریکا. اگر شما ایران را جدا کنید من این داستان را یادآوری می کنم به شما یک زمان این قصه را در تلویزیون بصورت کارتون پخش کرده اند یک شیری آمد سه تا گوزن یا چیز دیگری را بخورد. مشاهده کرد اینها سه نفر هستند و نمی تواند به تنهایی حریف آنها بشود. یکی سیاه، یکی از آنها سفید و دیگری مثلاً زرد بود. شیر به آنها گفت تو که زردی از هر دو تا اینها خوشکل تری من دو تای آنها را می برم، تو کاری نداشته باش، بعد یکی را از دو تا دیگر جدا کرد و بعد برد کناری آن را خورد. بعد رفت بدین ترتیب سراغ آن دو تا دیگر. بین آنها تفرقه انداخت و تک تک آنها را خورد.

آمریکا الآن با ایران اینکار را کرده تا بتواند یک مرزی بکشد. الآن حاشیه غربی ما یک دولت منسجم و قدرتمند ندارد و دچار تفرقه و جنگهای داخلی هستند. الآن مردم ترکیه ۶۰ و ۷۰٪ ایران را دوست دارند. ۳۰ و ۴۰٪ ایران دوست ندارند. منتهی از این ۳۰ و ۴۰٪ براساس تبلیغاتی که بر علیه ایران شده دوست ندارند. چرا که گفتند اگر ایران قدرتمند بشود شما را نابود می کند، لذا دوست ندارند. اگر این تحریمها برداشته بشود و واقعیت ایران را بفهمند آنها هم ایران را دوست دارند این هم ترکیه. که با یک ترس خیالی از ما متفرق شده اند.

آذربایجان از گرسنگی مرزها و دریای خزر را به اسرائیل فروخته . و الان در اونجا فرودگاه احداث کرده و جنگنده‌های اسرائیل تا بالای سر ما آمده‌اند. این سمت ترکمنستان ، ارمنستان، قزاقستان و افغانستان شرق ما، پاکستان کلاً فروخته شده به امریکا. با توجه به اینکه می‌دانید پاکستان بمب اتم داره ، آمریکا می‌آید میزند، طالبان همچنین . مردمان پاکستان را می‌کشند و آنها نمی‌توانند دفاع کند یا نمی‌خواهند دفاع کنند. پایین حاشیه خلیج فارس، همه دشمن ما هستند. البته در اثر تبلیغات سود است ولی به هر حال الآن وضع چنین است.

حال اگر جنگ ما از طریق مرزهای طبیعی ایران با آمریکا یا اسرائیل فرقی نمی‌کنه ، صورت بگیرد من از شما سؤال می‌کنم. اگر ما بخواهیم با آمریکا یا اسرائیل بجنگیم، چون کشور ما یک کشور پهناور است او به هر جا کشور ما بزند، می‌خورد. ولی اگر ما بخواهیم آمریکا را بزنیم کجا را باید بزنیم. تمام دور تا دور ما همسایه‌های خودمان هستند. گرچه این همسایه ها ناامن هستند. اما دشمنان ما نیستند که ما آنها را بزنیم.

رزم ناوهای آمریکا، دفت کنید رزم ناوهای آمریکا موشک‌های کروزش از دریای سرخ می‌تواند قم ما را بزند. از خلیج فارس می‌تواند... با یک متر اختلاف ؛ یعنی موشک کروز پنج هزار کیلومتر مسافت را طی می‌کند و می‌آید، در این مسیر به این موشک هوا و شن‌ها اثر می‌گذرد. حال اگر بنده را نشانه بگیرد یک متر اختلاف دارد و شما را می‌زند. منتهی اگر منفجر بشود دیگر فرقی نمی‌کند. از توی خلیج فارس توی بغداد کاخ صدام را می‌زد. حالا صدام می‌خواهد کجا را بزند. مگر او مرز دارد. ۱۲ ساعت تفاوت جغرافیایی آمریکا با ماست. و اسرائیل با ما نزدیک ۲۰۰۰ کیلومتر فاصله دارد. اخیراً ایران توی موشک‌های شهاب ۳ و ۴ توانست این فاصله را به ۲۰۰۰ کیلومتر برساند. این موشک استانداردش همان ۲۰۰۰ کیلومتر است اما اگر در این موشک دست کاری بشود تا ۲۵۰۰ کیلومتر را هم طی می‌کند.

چون این موشک ها یک حالت استاندارد و یک حالت غیراستاندارد دارند. مثلاً الآن توی ماشین های شما نوشته که ۲۲۰ کیلومتر سرعت ولی آیا کسی می تواند ۲۲۰ کیلومتر برود؟ نه هیچ کسی ۲۲۰ سرعت نمی رود. نهایتاً ۱۲۰ تا ۱۴۰ کیلومتر سرعت می رود. اگر در زمانهای ضروری کسی لازم شد ۲۲۰ کیلومتر در ساعت برود، ماشین آسیب می بیند.

موشک های شهاب ایران توانستند تا ۲۰۰۰ کیلومتر بزند، بعدش تا ۲۵۰۰۰ کیلومتر می رسد به مرزهای اسرائیل، خوب تنفس گاه ما کجاست؟ می شود سوریه، تنفس گاه ما کجاست؟ می شود لبنان. آمریکا نگاه کرد دید اگر به ایران حمله کند، دقت کنید اگر به ایران حمل کند، آقایان عزیز خیلی دقت کنید، آمریکا دید اگر به ایران حمله بکند، منافع او را در دریاهای مدیترانه و جاهای دیگر از سوریه می توانیم بزنیم. چرا؟ چون سوریه متحد ماست. ما از لبنان با اینکه که مسیحی نشین دارد به اروپا نزدیک است می توانیم آن گذرگاه های عالی آمریکا را هم برای خودش و هم برای اسرائیل می توانیم ناامن کنیم.

در بازی شطرنج داشته اید. در صفحه شطرنج شاه، وزیر، فیل، عرض کنم رخ و اسب داریم. حالا رقیب می آید اسب شما را می زند، می گوئی به ما چه؟ هنوز شاه سر جایش است. فیل را می زند، می گوئید سر شاه به سلامت، فیل زده به جهنم. رُخ را می زند می گوئید به جهنم. در حالیکه او تورا دارد محاصره می کند!! محاصره که تمام بشود، ما هم تمام می شویم. الآن تنها منفذ ما، از جایی که ایران می تواند از آنجا، بتواند بدون مرزهای خودش، خبر مخابره کند؛ هم خبر مخابره کند و هم تسلیحات نظامی جابجا کند، همین آب باریکه که از سمت سوریه و لبنان داشته ایم آن هم جنوب لبنان نه همه ی لبنان می باشد. شما ببینید لبنان، لبنان همین بیروتش، قسمت خوش نشین، بالای ارتفاعات که سرسبز است. مثل شمال ما دست مسیحی نشین می باشد. این مرز سوخته با اسرائیل هست که دست بچه های حزب الله است. خوب حزب الله لبنان را زدند، ایرانیها بگویند به ما چه؟ زدند که زدند. سوریه را می زند بعد ما می گوئیم به ما چه؟ او آنها را زد که به تو

برسد. خوب حالا دیگر تو نفس گاهی نداری. هیچ تنفسی نداری. این پتوها را روی سرت انداخته. فقط یک جمله من بگویم، خدا کند این نشود، ولی اگر بشود این جمله من بعنوان جمله کارشناسی نظامی دارم برایتان عرض می کنم عزیزان به این روزه ای که گرفتید قسم ، والله، ببینید بلفظ جلاله دارم قسم می خورم. این قسم، قسم شرعی است. والله اگر قضایای سوریه و لبنان آنجوری که آمریکا می خواهد تمام بشود یعنی سوریه نابود بشود ، لبنان نابود بشود، حزب الله لبنان از بین برود، والله حمله نظامی که به ایران می کنند حتی خبرش به دنیا مخابره نخواهد شد!! یعنی تمام کشورهای اطراف ما همه مستعمرات آمریکاست. حتی عکس هایش را نمی گذارند برسد به کشورهای دیگر. امروز نشان می داد، در کشورهای اروپایی ۵ نفر ، ۶ نفر ، ۱۰ نفر عکس این شیخ بحرانی را گرفتند، ۵ نفر ، ۱۰ نفر اینها رفتند جلوی سفارتها شعار دادند که، چرا او را می کشید؟ چرا می خواهید اینها را زندانی کنید؟ اگر آمریکا سوریه و لبنان را از بین ببرد والله مرز ایران بسته می شود. بعد داخل ایران می آیند، مثله می کنند. مثله یعنی، دست و پا را می برند جلوی چشم مادران، بعد خبرش هم به دیگران نمی رسد. حتی خبرش. حتی عکس هایش هم مخابره نمی شود. شما ببینید الآن داعش می کشد، فیلم هایش را چه کسی داره مخابره می کند؟ خود داعش برای اینکه مردم بترسانند مخابره می کند. اگر داعش مخابره نکنده، چه کسی آنجا هست که عکس بندازد و نشان بدهد که سر بچه های مردم بریدند؟ دو تا مادر اخیراً، در سال جدید .

اخیراً در عراق سه تا مادر را به همراه بچه هاشان را داعشی ها گرفتند و بردند، بعد این سه تا بچه را جدا کردند و بردند. یکی از مادرها بعداً در خاطراتش گفت : خود همین داعشی ها اینها را منعکس کردند تا ما بشنویم و بترسیم. گفت این سه تا مادر را مدتی نگه داشته اند، یک روز، دو روز و سه روز. به اینها غذا ندادند و خیلی گرسنه شده بودند به حدی که این سه مادر داشتند از گرسنگی می مردند. بعد برایشان غذا قیمه آوردند. قیمه را گذاشتند جلوشان دو تا از این مادرها خوردند ولی یک از مادرها گفت من از این غذا نمی خورم.

حالا به هر دلیلی میل نداشت و نخورد. اون دو تا مادری که از این غذا خوردند. (الله اکبر). بعداً داعش فیلمشو آوردند پخش کردند که این غذا را از گوشت بچه‌های خود اینها تهیه کرده بودند؛ یعنی بچه‌ها را مثله کردند و با گوشتش غذا درست کردند، دادند مادرها خوردند بدون اینکه بفهمند. بعدها فیلمشو را نشان دادند چطوری بچه‌ها را سرشان را بُریدند و بعد غذا درست کردند. باز هم جوانان ما بگوئید می‌خواهید بروید سوریه، بچه‌های که رفتند شهید شدند. حاج آقا به ما چه مربوط؟ سوریه مردمان خودشان را دارند؟ فکر می‌کنید مردم سوریه همشون چادر سرمی‌کنند؟ بی‌حجاب هم هستند. شما فکر می‌کنید مردم سوریه مشروب نمی‌خورند؟ چرا؟ بعضی از آنها مشرب هم می‌خورند. شما فکر می‌کنید مردم سوریه خیلی تحفه‌ی نظرنند؟ یا خیلی دوستشان داریم؟ نه این نیست. هم نماز شب می‌خوانند؟ اما هر عاقلی می‌داند که مردم سوریه هر کسی که هستند هرچی هستند، امروز سپر بلایی ما هستند. اصل هدف دشمن ایران است اما ابتدا دارد آنها را نابود می‌کند تا وقتی به ایران حمله کرد هیچ منفذی برای ما نباشد.

هر تحلیل‌گر نظامی دوزار، به اندازه دوزار سواد نظامی داشته باشد می‌داند ما را دارند می‌برند به سمت محاصره، اگر محاصره تمام بشود، بعد دیگر لازم نیست خیلی بجنگند.

در عراق چکار کردند تاریخ‌هایش را بنویسید، سال ۱۳۹۰ آمریکا حمله کرد به عراق، سال ۹۰، ۹۱، ۹۲ حمله کرد. یک مقدار صدام تازه نفس بود، نتوانستند به او خیلی آسیبی برسانند. بعد خود صدام و آمریکا مردم شیعه‌ای که قیام کرده بودند بعد از جنگ ایران و عراق همه را کُشتند و حتی نگذاشتن خبرش به جایی مخابره بشود. بعد از ده سال، فهمیدیم که ۲۰۰.۰۰۰ نفر آدم کُشتند، ۱۰۰.۰۰۰ نفر آدم گشتند. ده سال بعد! تا ده سال حتی هیچ کس حتی با خبر نشد! زمان جنگ خلیج فارس، که عراق به عربستان و دبی حمله کرد. بعد آمریکا به خونخواهی آمد. گذاشتند که ده سال از آن زمان گذشت و صدام از دست و پا افتاد، برای اولین بار در آرایش نظامی جهان خط‌شکن، آمریکا زنان را قرار دادند. یک سری زنان آنچنانی، با چهره‌های



افروخته آوردند. داخل جیپ‌ها و خودروها سوار کرد. اینها فاتحانه وارد بغداد شدند. حتی گارد ریاست جمهوری صدام سه روز هم نتوانست مقابل اینها مقاومت کنند. نه سه روز، دو روز هم نتوانست مقاومت کند. عکس‌های اینها را در نیوزویک دیدم. زنان مو پلائی، بزک کرده، یعنی حتی به جنگ هم نکشید. عراق خسته جنگ بود و دیگر نمی‌توانست، صدام دیگه نمی‌توانست و مردمش هم دیگر پشتش نبودند.

امروز سوریه و لبنان، مثل خراسان، مثل قم و مثل اهواز هستند برای ما یعنی بخشی از خاک ما هستند. اگر از آن مرز عقب بشینیم خیلی خطرناک است. سال قبل، این که دارم می‌گویم، خبر زنده براتون عرض می‌کنم، سال قبل، عید سال قبل، نه این عید نوروز، عید نوروز سال قبل یکی از شاگردها من که آقایان می‌شناسند آقای A ایشان تپه‌های کردستان رفته بودند. مرزهای غربی، آمد و گفت حاج آقا اونجا حمله کردند به ما، همین کردستان خودمان. همین داعشی‌ها. عجب او می‌گفت من سرهنگ ایرانی را غسل دادم و کفن کردم که سر او را با موزیک بریده بودند، نه با چاقو، ببینید چطوری او را شکنجه داده بودند. تا همین پشت مرزها آمده‌اند. بعد می‌آیند مصاحبه می‌گیرند از بی‌سوادهای بالاشهر، مرفعان بی‌درد و بعد آنها می‌گویند جنگ سوریه به ما چه مربوط؟ دیگه باید چکار کنند تا بیخ گوشمان آمده‌اند، تا کردستان ما آمده‌اند، تا کرمانشاه ما آمدند. پنجاه تیم تروریستی، هفته قبل وزارت اطلاعات آنها را گرفت. پنجاه تیم تروریستی. پنجاه تا ۱۰ نفر هم باشند خودش می‌شود یک گردان. آنوقت اینها دندان تیز کرده‌اند برای اینجا. بعد هم اگر بیایند داخل اینطوری نیست که حالا شما فکر کنید یک جنگ طولانی. نه دیگه چند تا آخوند هستند، دستشان را می‌بندیم و تحویل می‌دهیم، تمام می‌شود می‌رود. از باب طنز خاطره‌ای عرض کنم. ما با حزب الله لبنان داشتیم می‌رفتیم زاغه‌های نظامی آنها را بازدید کنیم. اینها نزدیک ده تا پانزده تا ماشینهای لنگروز سیاه رنگ، که ماشین سیاه و شیشه‌اش سیاه. بعد بین راننده و کسانیکه عقب نشستند، یک پرده انداختند. بعد اینها وقتی حرکت می‌کنند اینجوری است. که ده ماشین پشت سر هم حرکت می‌کنند با حدود

سرعت ۱۲۰ تا ۱۵۰ کیلومتر و وقتی می‌خواهند کسی نداند کجا دارند می‌روند ، اینطوری می‌روند. وقتی می‌رسند سر خیابان، اولی می‌رفت جلوی خیابان طوری می‌ایستاد که بقیه می‌رفتند. بعد اون پشت سر آنها حرکت می‌کرد. خیابان بعد لنکروز جلوی می‌ایستاد، بعدی ها رد می‌شدند بعد آن هم حرکت می‌کرد. این راننده ها با هیچ کس حرف نمی‌زنند. چون در حال انجام کار نظامی حرف نمی‌زنند. از این کوشی‌های بی‌سیم (هندزفری) گذاشته بودند. بعد آقای سیدی بود که حاج آقا می‌شناسندش که از دوستان ماست، ما خیلی شلوغ می‌کردیم هر جا می‌رفتیم ، شلوغ می‌کردیم. توی ماشین نشستیم به این آقای راننده گفتیم یا اخی السلام علیک ، یا اخی کجا ما را می‌بری به عربی؟ کجا می‌ری؟ حالت چطور؟ بچه داری؟ زن داری؟ هر چه ما با او صحبت کردیم ، جواب نداد . فقط داشت رانندگی می‌کرد. با سرعت ۱۵۰ کیلومتر رانندگی می‌کرد. آخرش به او گفتیم داری ما را می‌بری تحویل بدی تا یک سری غنایم بگیری؟ آخرش زد زیر خنده . گفتیم مثل اینکه آقا ما آخوندها را داری می‌بری تحویل بدی؟ کلاً منافع اسرائیل. اینها بیایند داخل حمله کنند، چهار و پنج تا از حزب الله را می‌گیرند و تحویل می‌دهند بعد از بقیه راضی هستم و هیچ مشکلی نداریم. این جوانهای عزیز مثل شهید احمد اعطائی، مثل شهید عسگری، شهید یزدانی که دوستان صمیمی ما بودند مثل مرحوم دهقان، مثل بقیه عزیزان، شهید عزیز و نورانی شهید جبلی که نزدیکی‌های شما زندگی می‌کردند، اینها رفتند داخل استانهای خود ما شهید شدند. این مرز ماست دیگر سوریه خاک ماست، شما از آنها سؤال کنید بگوئید آمریکا اینجا چکار می‌کند؟ او صدها یا هزاران کیلومتر آنطرف می‌باشد، اینجا چکار می‌کند؟ ما اونجا منافع داریم ، اونجا منافذ ماست. اونجا جایی است که اگر ما عقب بشینیم، خدا نکرده قلع و قمع می‌شویم. دیشب شنیدید آقای پوتین ، من نمی‌دانم می‌شناسید یا نه ؟ ولادیمیر پوتین نزدیک به ۱۵ سال قائم مقام سازمان جاسوسی آمریکا بود. معاونت امنیتی فدراتیو ک. گ. ب بود. رئیس جمهور یا نخست وزیر شد. یعنی بالاترین سطح مسئولیت کشور روسیه . در تلویزیون نشان داد. او

مسلمان نیست اما عقل دارد؛ برگشت گفت همه آینده خاورمیانه، آرایش نظامی، آرایش قدرت، اقتصاد و سیاست همه اش بسته به این جنگ سوریه دارد.

اگر ما در سوریه پیروز شویم. قدرت اول خاورمیانه دیگر تا صد سال بعد ایران است و متحدینی که دارد. حالا ما با روسیه وحدت دینی نداریم اما وحدت منافع داریم. می گوئیم زور نگو ما هم زور نمی گوئیم، باشد. بشیند سرجایش ما هم می نشینیم سر جایمان. اگر آنان پیروز بشوند تا صد سال بلکه هزار سال بعد مردم ایران ما مثل برخی از این برادران عزیز افغانستانی که متأسفانه در اثر فقر و نا امنی در کشورشان مجبور شدند ، بیایند اینجا فاضلاب حفر کنند، ایرانی که فاضلاب حفر نمی کند. ما باید برویم در کشورهای عربستان ، قطرو... برای اینها فاضلاب حفر کنیم. نیروی کار خفیف بچه های ایرانی می شوند!! بعد زنان ما را برای کنیزی می برند. دیگر اینجا دین نمی خواهد فهم این مطالب عقل می خواهد. یعنی حداقل درک هم که باشد آدم می فهمد چه اتفاقی دارد رخ می دهد.

ولادیمیر پوتین بعنوان یک کسی که کارشناس می باشد داشت صحبت می کرد. دیشب صحبتش را در خبرگزاری های ما پخش می کرد. اگر در سوریه ما پیروز شویم دیگه قدرت خاورمیانه ما هستیم و اگر آنها پیروز شوند *يُدْبِحُونَ أَبْنَاءَكُمْ وَيَسْتَحْيُونَ نِسَاءَكُمْ*، دیگر زنان ، مادران ما را می برند. به شما نرسد ، به ما میرسد، به بچه های شما نرسد، به بچه های ما میرسد، به نوه های ما میرسد.

مردم مظلوم افغانستان را تار و مال کردند. الآن مشاهده می کنید بندگان خدا با هر خانواده روبرو می شوید یکی دست ندارد، یکی پا ندارد. همین که زنده باقی مانده اند ، باید خدا را شکر کنند.

پس جان کلام این شد من عرض را تمام می کنم؛ اگر تفرقه بیاید، ذلت، خفت ، خواری ، ناامنی می آید؛ اگر تفرقه باشد و اگر وحدت هست در سه حوزه عمل، فکر و اندیشه و قلب.

یک زمانی خانمی در دانشگاه به من گفت: حاج آقا ما برخی از فرمایشات مقام معظم رهبری را شنیدیم. یک سری سؤالاتی برایمان پیش آمده، گفتم شما نسبت به پدرت سؤال اصلاً نداری؟ گفت چرا؟ گفتم سؤال داشتن عیبی نداره، اما محبت‌اش را از دلت بیرون نبر. چه لزومی دارد شما نسبت به پدرت سؤال داری، الآن پدر شما یک نکته‌ای را به شما می‌گوید، شما با او مخالف هستی من با شما موافق هستم، اما اگر بین من و پدر شما دعوا بشود، می‌گویی درست که در این موضوع با پدرم مخالف هستم، اما پدرم را ترک نمی‌کنم، بروم با غریبه متحد شوم. پدرم را نمی‌توانم ترک کنم. آنها می‌خواهد تفرقه ایجاد کنند. در بین بچه‌های حزب الهی. اگر شد اعتقادشان از هم جدا بشود، دل‌هایشان، فکر و اندیشه‌هایشان از هم جدا شود. اگر شد عملکردهایشان را از هم جدا کنند. علی آقا می‌رود سمت یمن، حسن آقا می‌رود سمت یسار. هیچی بین اینها خلال ایجاد می‌گردد، بعد خیلی کار سختی نیست برای اینان حکومت کردن. بر یک کشور متفرق و متشتت.

از نهج البلاغه از خطبه قاصعه گفتم اگر پیغمبر زاده باشید تفرقه بیاید بین ما، خار، ذلیل و خفیف می‌شویم چه اینکه شدند در درون ما که اگر ما این سمتی برویم خدا نکرده به این روز می‌افتیم. ولی اگر اتحاد و یکپارچگی داشته باشیم، نصرت الهی، پیروزی‌های الهی و قدرت الهی به نفع ما وارد کارزار می‌شود. نمونه بارزش الآن جنگ سوریه است. نمونه بارزش بچه‌های عزیز لبنان هستند. حزب الله لبنان هستند. وقتی شما توی مسجد لبنان می‌روید وقتی صلوات می‌فرستند همگی یک صدای می‌شوند. همه با هم می‌گویند اللهم صلی علی.....، حالا اینجا، وقتی اینجا صلوات می‌فرستند یکی می‌گوید الله آن یکی صلی، اون یکی دیگر علی می‌گوید و دیگری می‌گوید محمد، معلوم نیست صدا، پانصد صدا می‌شنوی. یا اینکه یکی می‌گوید مرگ بر، او یکی می‌گوید ضد ولایت فقیه، اون یکی آمریکا، اون یکی می‌گوید اسرائیل، بعد معلوم نیست چه می‌شود. ببینید وقتی صدا وحدت ندارد چقدر نامبارک می‌شود. آدم وقتی صداها

ناهماهنگی می‌شنود. یک گروه سرود خوبی‌اش این است که با هم متحد هستند. صدا یکسان می‌باشد. بچه‌های حزب الله لبنان شاید وحدت لباس ندارند و ای کاش داشتند، ندارند ولی عیب ندارد همین هم خوبه. همه آنها وقتی ما را می‌دیدند می‌گفتند السلام علیکم یا اخی، بعد می‌گویند سیدنا القائد چگونه؟ به مقام معظم رهبری سیدنا القائد می‌گویند. و به سید نصرالله سیدنا الامین. به او سیدنا الامین می‌گویند و به آقا مقام معظم رهبری سیدنا القائد می‌گفتند. سیدنا القائد چگونه؟ حالش چگونه؟ همه آنها ایشان را دوست دارند. همه آنها زیر سایه ایشان هستند و همه متحد و یکپارچه هستند.

عرضم تمام. امیدوارم انشاءالله خداوند متعال به برکت این شبهای مقدس و منور که گذشت. طاعت و بندگی که شما عزیزان انجام دادید و در حال انجام آن هستید قبول کند، خداوند متعال مشکلات جامعه اسلامی ما را مرتفع بفرماید. انشاءالله

خدایا به حق محمد و آل محمد قسمت می‌دهیم در این روزهای پایانی ماه مبارک رمضان تو را به اولیاءیت قسمت می‌دهیم، تو را به مقربینات قسمت می‌دهیم ما را ببخش، بیامرزش (الهی آمین).

به محمد و آل محمد قسمت می‌دهیم که در ادامه زندگی به ما توفیق تقوا، پاکدامنی و اجتناب از گناه مرحمت بفرما (الهی آمین).

به محمد و آل محمد قسمت می‌دهیم همه خوبان عالم، جمع عزیز حاضر، علما، مراجع عظام، مقام معظم رهبری را در پناه امام زمان حفظ و تائید بفرما (الهی آمین).